



چه طور اهالی یک روستا ۴۰۰ سال پیش توانستند بریتانیا را از یک اپیدمی طاعون نجات دهند؟

زک براون، قصه روستای ایبیم را با این جمله تمام می‌کند که "اگر چه ممکن است در خانه ماندن این روزها بسیار افسرده‌کننده و یاس‌آور تلقی شود اما باید دانست که قرنطینه و (در خانه ماندن) کارساز است."

چه طور اهالی یک روستا ۴۰۰ سال پیش توانستند بریتانیا را از یک اپیدمی طاعون نجات دهند؟

زک براون، تدوین گر ویدیویی در روزنامه واشنگتن پست این هفته داستانی را از قرن ۱۷ در بریتانیا نقل کرده که در پادکست "گزارشگران پست" مورد توجه قرار گرفته است. این داستان مربوط به روستایی کوچک در شمال انگلستان به سال ۱۶۶۵ است.

"در سپتامبر ۱۶۶۵، جورج ویکر، شاگرد یک خیاطی در روستای کوچک ایبیم در ناحیه پیک شمال انگلستان پتویی که از لندن برایش فرستاده شده بود را باز کرد و بلافاصله طاعون گرفت. ویکر تنها یک هفته بعد مرد."

در آن روزها طاعون در لندن شیوع پیدا کرده بود. این بازگشت دوباره طاعونی بود که چند سده پیش همه جهان را به خاک سیاه نشانده و جان صدها میلیون نفر را گرفته بود.

"طرف شش هفته پس از مرگ ویکر، ۲۹ نفر دیگر هم در روستای ایبیم که فقط ۸۰۰ نفر سکنه داشت جان باختند. چون طاعون از طریق موش ها و کک ها به انسان منتقل می شود و جمعیت این جانوران در زمستان کاهش پیدا می کند، با فرا رسیدن زمستان همه تصور کردند که طاعون رخت بر بسته اما در حقیقت طاعون نهفته مانده و در حال جهش ژنتیکی بود و وقتی ماه ژوئن سال ۱۶۶۶ فرا رسید، طاعون با قدرت بیشتری بازگشت. مرگ و میر میان موش ها افزایش یافت. ویلیام مامپسن، طلبه جوانی که به تازگی کشیش روستا شده بود متوجه شد که باید فوراً کاری کرد و گرنه طاعون از این روستا به تمام شمال انگلستان سرایت خواهد یافت."

"روستای ایبیم بر سر راه مواصلاتی میان منچستر و شفیلد واقع شده و پیامدهای جنگ داخلی انگلستان در آن دوران باعث شده بود که مردم این روستا همچنان به کشیش قبلی، توماس استنلی، که یک کشیش بیوریتن (پروتستان اصلاح شده انگلستان) وفادار بمانند. این حقیقت باعث شد ویلیام مامپسن سراغ توماس استنلی برود و از او بخواهد که وارد میدان شود و مردم روستا را متقاعد کند که باید خود را قرنطینه کنند. این دو کشیش مردم روستا را دور هم جمع کردند و به آنها گفتند: "همه ما احتمالاً خواهیم مرد." آنها با شفافیت و چشم باز جلو رفتند. همه آنها (با توجه به تاریخچه مرگبار طاعون) می دانستند که خواهند مرد. اما برای نجات جان مناطق اطراف تصمیم گرفتند دور روستا را به طور داوطلبانه یک مرز قرنطینه بکشند."

"همه روستا با هم قسم خوردند که هیچ کس روستا را ترک نکند و به هیچ کس هم اجازه ورود داده نشود. مرزهای قرنطینه با سنگ های مشخصی نشانه گذاری شد. مردم مناطق اطراف تا لب این مرز می آمدند و برای اهالی روستا آذوقه می گذاشتند و در برابر سکه های طلایی که در داخل پارچ سرکه انداخته شده بود بر می داشتند چرا که در آن زمان فکر می کردند سرکه ضد عفونی کننده خوبی است. قرنطینه ۱۴ ماه طول کشید. در این مدت ۲۶۰ نفر از ۸۰۰ سکنه روستای ایبیم مردند."

"تصور آنچه در این مدت در این روستای کوچک گذشت واقعا ترسناک است. انبوه موش های مرده در گوشه کنار کوچه ها و ده ها جسد قربانی طاعون که گرد مرگ را در تمام روستا پراکنده کرده بود. اما نتیجه این شد که هیچ کدام از مناطق اطراف آلوده نشدند. این در حالی بود که ایبیم به علت قرار گرفتن بر سر راه تجاری میان شفیلد و منچستر می توانست به راحتی هزاران نفر را در سراسر انگلستان بکشد. اما از خودگذشتگی مردم این روستا توانست مانع از یک اپیدمی بزرگ طاعون در آن سال شود."

زک براون، قصه روستای ایبیم را با این جمله تمام می کند که "اگر چه ممکن است در خانه ماندن این روزها بسیار افسرده کننده و یاس آور تلقی شود اما باید دانست که قرنطینه و (در خانه ماندن) کارساز است."